

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی و چهارم، دوره جدید، شماره ۶۴، پیاپی ۱۵۴، زمستان ۱۴۰۳

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۴۰-۱۵

## نقش رؤیا در مشروعیت سیاسی-دینی در عصر خلفای نخستین اسلامی<sup>۱</sup>

راضیه افشاری فر<sup>۲</sup>، یعقوب پناهی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

### چکیده

تفسیر رؤیا در ادوار مختلف تاریخی با هدف پیش‌بینی رویدادها و خبر از طالع انسان‌ها، همواره مورد توجه جوامع و به‌ویژه حاکمان بوده است. در میان مسلمانان نیز رؤیا و تعبیر آن (مهارت معنادهی باورمندان به رؤیاها) علمی الهی قلمداد شده که می‌تواند تأثیر قابل توجهی در حیات فردی، اجتماعی و سیاسی جوامع داشته باشد. یکی از دوره‌هایی که به‌نظر نقل رؤیا و تعبیر آن مورد توجه حاکمان مسلمان قرار گرفته، عصر خلفای ثلاث است. پژوهش پیش رو با بررسی و تحلیل محتوای رؤیاهای نقل شده از نخستین خلفای اسلام، تلاش دارد نشان دهد نقل این رؤیاها از جانب دستگاه قدرت با اهداف و انگیزه‌های خاصی صورت گرفته است. بر همین مبنا پرسش اصلی پژوهش ناظر بر این است که جریان قدرت چگونه و با چه مضامینی از رؤیا برای مشروعیت‌بخشی به گفتمان خلافت، به‌ویژه در ساحت‌های سیاسی و دینی، استفاده کرده است. به‌نظر نقل رؤیا از بزرگان دین و به‌ویژه رسول‌الله، از زبان خلفا یا نزدیکانشان، با مضامینی همچون شباهت حاکمان جدید جامعه اسلامی به رسول‌الله، توجیه عملکرد ایشان و تأییدشان از جانب پیامبر، جلب پشتیبانی مردم و غیره با هدف توجیه و تبیین مشروعیت سیاسی خلفا و ترویج حقانیت آن‌ها بوده است. به بیانی روشن‌تر دال مرکزی اغلب رؤیاها هدفی سیاسی را دنبال می‌کند که در تلاش برای تثبیت جایگاه حقوقی خلفا در مقام جانشینان بر حق پیامبر، نزد عامه است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌هاست.

**کلیدواژه‌ها:** رؤیا، پیامبر، خلفای نخستین، جانشینی، مشروعیت.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2025.49021.2989

۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

Afshar90@yahoo.com

۳. استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران: panahi@ricac.ac.ir

#### مقدمه

بعد از رحلت پیامبر، چالش‌های متعددی برای جامعه اسلامی پیش آمد که با تدابیر مختلفی سعی در مدیریت آن‌ها شد. از جمله این چالش‌ها، مسئله جانشینی پیامبر و نیاز فوری به تمشیت امور حاکمیت جامعه اسلامی بود. اگرچه سقیفه، تکلیف خلیفه پس از پیامبر را مشخص کرد، این رویداد منشأ بسیاری از اختلافات بعدی مسلمانان شد. چنان‌که مشهور است اختلافات امت اسلامی از روز سقیفه شروع شد و شمشیری که در تاریخ اسلام برای امامت و رهبری کشیده شد، برای هیچ‌چیز دیگری کشیده نشد (شهرستانی، ۱۳۳۵: ۲۱).

به‌همین دلیل در چشم‌اندازی کلی و تاریخی می‌توان سرمنشأ اغلب درگیری‌ها میان فرق اسلامی را به رویداد سقیفه و مسئله جانشینی پیامبر بازگرداند. ابوبکر در سقیفه با تلاش‌های عمر، جانشین پیامبر شد و وصیت کرد خلیفه بعدی عمر باشد. به تعبیر امام علی، عمر چیزی را برای ابوبکر مهیا کرد که می‌دانست فردا خود از آن بهره‌مند خواهد شد (نهج البلاغه، خطبه شششنبه) چیدمان شورا برای انتخاب خلیفه بعدی توسط عمر نیز به‌گونه‌ای بود که عثمان به خلافت رسید، اما برای این خلفا نص صریح، آیه و روایت یا توصیه‌ای در میان نبود.

به‌همین دلیل برگزیدگان به‌دنبال پشتوانه‌ای قابل اتکا برای مشروعیت خود بودند تا هم قدرتشان را نهادینه کنند و هم ضمن بیرون‌راندن رقبا از گردونه قدرت، اذهان مردم را با خود همراه سازند. در همین راستا در همان دوران تلاش‌هایی برای مشروعیت خلفا صورت گرفت. شواهد تاریخی نشان می‌دهد یکی از بدیع‌ترین تکاپوها برای مشروعیت‌بخشی و فضیلت‌سازی برای خلفا توسل به رؤیا<sup>۱</sup> بود.

از آنجاکه سه خلیفه اول<sup>۲</sup> مسلمانان بعد از وفات پیامبر همواره نوعی عدم اطمینان از

۱. درخصوص دو واژه خواب و رؤیا اگرچه در محاوره این دو به‌جای هم به کار برده می‌شود، تفاوت معنایی میان آن‌ها وجود دارد. در واقع تا فرد به خواب نرود نمی‌تواند رؤیایی مشاهده کند (قریشی، ۱۳۶۳: ۳۷ و ۳؛ منتظری، ۱۳۸۳: ۴۸). در زبان فارسی رؤیا به‌معنای خواب دیدن است که منظور از آن صوری است که در ذهن ایجاد می‌شود. در واقع رؤیا مجموعه‌ای از تصاویر، افکار، احساسات و رویدادهایی است که گاه در هنگام خوابیدن، به‌طور غیر ارادی از ذهن می‌گذرد و بعضی از آن‌ها هنگام بیداری به یاد انسان می‌آید (نک. لغتنامه دهخدا ذیل واژه رؤیا؛ انوری، ذیل واژه خواب)؛ همچنین درباره خواب و خواب‌گزاری و رؤیایی (نک. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی: جلد ۲۳، مدخل خواب و جلد ۲۵، مدخل رؤیا؛ دایرةالمعارف تشیع، جلد ۷، مدخل خواب‌گزاری؛ دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۶، مدخل خواب).

۲. نکته‌ای که در این پژوهش نباید از نظر دور داشت، مسئله خلافت علی (ع) است. در این رابطه باید توجه داشت به‌باور شیعیان امر جانشینی (در گفتمان شیعی دوازده‌امامی) بعد از پیامبر از جانب خدا به نص صریح تعیین تکلیف شده است و حضرت امیر(ع) براساس نصوص وارد شده در متون و میراث تشیع و همچنین شواهد متعدد

پذیرش کامل خود از سوی جامعه اسلامی و نخبگان آن، در ذهن و زبانشان وجود داشت؛ از تشبث و استناد به رؤیا با هدف کسب تأییدات و مهار برخی چالش‌ها بهره می‌گرفتند. پژوهش حاضر متمرکز بر رویاهایی است که با قدرت گرفتن خلفا از سوی آن‌ها یا نزدیکانشان با محتوای موضوعات گوناگون نقل شده است. بر همین مبنا پژوهش درصدد تبیین این مسئله است که جریان خلافت چگونه و با چه مضامین و محتوایی از نقل رؤیا، برای توجیه مشروعیت قدرت‌گیری خویش و همچنین جلب حمایت مردم از گفتمان خلافت استفاده کرده است.

باید گفت که صحت و سقم محتوای خواب‌ها و وثاقت راویان و منابعی که اخبار رؤیاها در آن‌ها آمده است از دایره مسئله پژوهش حاضر خارج است و موضوع مقاله دیگری است؛ زیرا این روایت‌ها چه ساخته و پرداخته خلفا باشد چه پیروان آن‌ها، تفاوت چندانی در نتیجه ندارد و در نهایت با هدف کسب مشروعیت برای خلفا مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اما بررسی و نقد این رؤیاها از این حیث حائز اهمیت است که استناد به این خواب‌ها در اقوال و افعال خلفا برای مشروعیت‌بخشی به جایگاه خود، امری متداول و شایع بوده و حتی در عصر حاضر نیز مرسوم است، بنابراین از این حیث شایسته امعان نظر و تأمل دقیق است. روش پژوهش تاریخی حاضر توصیفی تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای است.

### پیشینه پژوهش

درخصوص رؤیا و کارکرد آن برای مشروعیت‌بخشی به خلفای ثلاث مقاله یا کتاب مستقلی تاکنون نگاشته نشده است. در بخشی از مقاله‌ای که مجید حاج‌بابایی و علی زارعی برای «بررسی جایگاه امور فرامادی در تحلیل فتوحات مسلمانان در ایران» نگاشته‌اند، در کنار نقش پیشگویی به تأثیر رؤیا نیز در روند فتوحات پرداخته شده است، اما مقاله حاضر بر موضوعی فراتر از فتوحات متمرکز شده و رویاهای متناظر بر مشروعیت سیاسی و دینی خلفا را مورد بررسی قرار داده است.

از دوره خلفای ثلاث که بگذریم؛ در رابطه با رؤیا و خواب‌بینی و کاربست آن در مشروعیت حاکمان و پادشاهان یا تمشیت امور سیاسی آثاری به چاپ رسیده است که به اجمال به آن‌ها اشاره خواهد شد. امامعلی شعبانی کتابی با عنوان *عباسیان؛ رؤیا و سیاست* نگاشته که در آن به

---

تاریخی، جانشین بلافضل رسول‌الله محسوب می‌شود؛ فلذا نیازی به استناد و احتجاج به رؤیا یا روایاتی از این دست برای اثبات حقانیت و مشروعیت ایشان نبوده است. بررسی آثار تاریخی و حدیثی نیز نشان می‌دهد روایتی که با اهداف خاص، چنین روایی را بازتاب دهد در منابع موجود نیست.

اثبات این فرض پرداخته است که خلفای عباسی با استناد و تشبث به رؤیا به عنوان ابزاری سیاسی به دنبال توجیه برخی اقدامات سیاسی و اجتماعی و مذهبی خود بوده‌اند. نزهت احمدی در کتابی با عنوان *رؤیا و سیاست در عصر صفوی* با این سؤال محوری که رؤیاها و نقل آن‌ها در زندگی اجتماعی و سیاسی عصر صفوی چه تأثیراتی داشته است؛ به بررسی کارکردهای توسل به نقل رؤیا و تفسیر آن در میان پادشاهان صفوی پرداخته است.

احمدی توضیح داده پادشاهان صفوی چگونه در نقش مفسران رؤیاهایشان، برخی سیاست‌های خویش را پیش می‌برده‌اند. در فصول مختلف کتاب مسائل مهمی همچون جایگاه رؤیا در طریقت صفوی، نقش آن در قدرت‌گیری صفویان، نقش رؤیا در کسب مشروعیت و همچنین کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رؤیا با دسته‌بندی و سنخ‌شناسی رؤیاهاپی که از پادشاهان مختلف صفوی نقل شده است مورد بررسی قرار گرفته است.

داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی در کتابی با عنوان *کتاب‌شناسی خواب و رؤیا، گفتاری در خواب‌شناسی تاریخی* به مرور و دسته‌بندی توصیفی-تحلیلی آثاری پرداخته‌اند که در طول تاریخ به صورت ویژه به مسئله رؤیا و تأثیرات آن در حیات انسان توجه داشته‌اند. این کتاب ضمن مرور برخی مباحث نظری و بینارشته‌ای درباره خواب و رؤیا، منبع‌شناسی دقیقی از آثار موجود در این زمینه در زبان‌های فارسی و غیرفارسی ارائه داده است و طیف قابل توجهی از موضوعات را شامل می‌شود. رؤیا در دوره صفویه در میان پژوهشگران تاریخی مورد توجه بوده و علاوه بر نزهت احمدی محققان دیگری نیز همچون یوسف رحیم‌لو و شعله کویین تحقیقاتی درباره رؤیا در این عصر داشته‌اند.

رحیم‌لو در مقاله «*خواب‌دیدن در سنت و سیاست صفویه*، به بررسی مهم‌ترین رؤیاهای خاندان صفوی پرداخته است که نقش پررنگی در برخی تحولات کشورداری، سیاسی، نظامی و... داشته‌اند و مبنای برخی تصمیم‌گیری‌های مهم قرار گرفته‌اند. شعله کویین نیز در مقاله رؤیاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ‌نوشته‌های صفوی به چگونگی تحولات تاریخ‌نگاری حول یکی از مؤثرترین افراد این خاندان می‌پردازد. کویین با بررسی منابعی که رؤیاها را نقل کرده‌اند تلاش کرده نشان دهد چگونه در طول زمان تعبیر رؤیاها توسط پادشاهان صفوی، بسته به انگاره‌های سیاسی و مذهبی‌شان تغییر پیدا کرده است.

مختار کمیلی نیز در مقاله‌ای با عنوان «*خواب‌نامه به مثابه یک ژانر*» به معرفی آثاری در تاریخ ادبیات فارسی می‌پردازد که مطالب مفیدی درباره انواع متون خواب‌نامه‌ای ارائه می‌دهد. در دوره قاجار نیز زهرا علی‌زاده و همکارش در مقاله‌ای با عنوان «*بازنمود بنیان‌های فکری مشروطه‌خواهی در خواب‌نامه‌های عصر قاجار*» به تبیین نقش خواب‌نامه‌ها در پیشبرد اهداف

نهضت مشروطه، به خامه برخی روشنفکران و اصلاح‌گران این دوره از جمله طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای، مستشارالدوله تبریزی، عبدالرحیم الهی و... پرداخته‌اند. نویسندگان مقاله معتقدند این روشنفکران با نگارش این خواب‌نامه‌ها که به دلیل محدودیت‌های سیاسی و ملاحظات مذهبی و سنتی بعضاً به صورت استعاره‌ای نیز نوشته می‌شده‌اند، درصدد تنویر افکار عمومی و ترویج نظرات اصلاح‌گرایانه خویش بوده‌اند. باتوجه به این نظر با اندکی تسامح می‌توان گفت این خواب‌نامه‌ها دارای کارکردی سیاسی است. در این مقاله نویسندگان تلاش دارند ثابت کنند اغلب خواب‌نامه‌ها با دیدگاهی انتقادی و به دلیل محدودیت‌ها در قالبی نو به نگارش درآمده‌اند، درصدد بیان اندیشه‌های نو و مترقی نظیر قانون‌خواهی، تشکیل عدالت‌خانه، محدودکردن قدرت شاه، تبیین فساد نهادهای سیاسی و اجتماعی، مطالبات حقوقی و سیاسی و... بوده‌اند. این خواب‌نامه‌ها به دلیل جایگاه خواب در باور و فرهنگ عمومی مخاطب‌پسند بوده و در جذب عامه مردم موفق بوده‌اند.

#### عصر ابوبکر؛ رؤیاهایی با هدف تأیید مشروعیت اولین جانشین پیامبر

ابوبکر دو سال و سه ماه خلیفه مسلمین بود و مهم‌ترین واقعه دوران خلافتش سرکوب مرتدان و پیامبران دروغین است. درباره مسلمانان ابوبکر روایت‌های مختلفی وجود دارد، یکی از این روایت‌ها نقل رؤیایی از کعب‌الاحبار است که به طور مشهودی هدف از بیان آن بیش از آن که طریق اسلام آوردن ابوبکر باشد، نقل فضیلت‌های او بر دیگران، تقدمش در اسلام و جایگاه بی‌نظیرش نزد پیامبر و مسلمانان است. «خلافت ابوبکر صدیق معلوم گشته بود پیش از مبعث رسول. پرسیدند آن چگونه بود. گفت: ابوبکر خوابی دیده بود به مکه که ماه از آسمان بیفتاد به کعبه و پاره‌پاره شد و هیچ حجره‌ای نماند در مکه الا که از آن پاره‌ای ماه در آنجا رفت. پس از حجره‌های مکه آن پاره‌ها جمله بیرون آمد و ماه تمام شد. الا آن پاره که در کنار ابوبکر افتاده بود، بماند. از علمای مکه تعبیر این خواب پرسیدند و ایشان جهودان بودند. از این خواب کراهت داشتند. پس ابوبکر سفر کرد به جانب شام و بحیرای راهب آنجا بود و ابوبکر از بحیرا پرسید. گفت زود باشد که خدای تعالی پیغمبری می‌فرستد به مکه و تو وزیر او باشی در حال حیات و خلیفه او باشی بعد از ممات و چون رسول رسالت ظاهر کرد، ابوبکر از او حجتی طلب کرد بر رسالت رسول. گفت: آن خواب که تو به مکه دیدی اشارت بدین خواب بود که گفته آمد» (خرگوشی، ۱۳۶۱: ۴۸۹ همچنین نک: رحمانیان، ۱۳۹۷: ۷۸).

گرچه خود کعب‌الاحبار راوی این رؤیا، از قصاصون است، وجود نشانه‌ها و مضامینی در روایت نشان می‌دهد در جامعه آن عصر شأنیت و شایستگی ابوبکر به عنوان خلیفه در اذهان و

افواه مردم مسئله پرتدید و مورد پرسش بوده است. با در نظر گرفتن چنین وضعیتی، محتوای روایت، به طور کلی و با تساهل در مباحث رجالی و درایی، چند نکته مهم در خود دارد. از جمله این نکات می توان به این موارد اشاره داشت:

اولین نکته حضور مجدد بحیرای راهب، کسی که پیش تر نشانه های پیامبری را در حضرت محمد(ص) دیده بود در یک پیشگویی جدید است که می توان گفت با توجه به مهم بودن بحیرا در اذهان مسلمانان در روایات مربوط به بعثت پیامبر، برای باورپذیری بیشتر مجدداً از نام او برای اثبات حقانیت خلافت ابوبکر نیز استفاده شده است؛

دیگر آن که چرا ابوبکر برای تعبیر خواب خود، به پرس و جو از علمای یهودی پرداخته است. آیا تلاش کرده تعبیر خواب خلافت خود را به غیر مسلمانان منتسب کند تا راه نجاتی از کشمکش های قبیله ای و اختلاف انصار و طرف داران علی با مهاجران و طرف داران خودش پیدا کند؟ متن روایت حاکی از آن است این خواب در سال های حیات پیامبر در میان مردم رایج بوده است، اما چون هیچ تأییدی از جانب شخص پیامبر نسبت به آن در متن روایت موجود نیست، می توان گفت احتمالاً شایع شدن این رؤیا در جامعه مسلمانان با هدف جامعه پذیری سیاسی بعد از وفات پیامبر صورت گرفته است. در این روایت تلاش شده جایگاه برجسته ابوبکر و مشروعیت خلافت او، برای مسلمانان یادآوری شود.

ابن سعد روایتی مهم از یکی از رؤیاهای پیامبر نقل می کند که در آن رسول الله به طور غیرمستقیم مسئله جانشینی و خلافت ابوبکر بعد از خود را پیش بینی کرده است. منطبق تاریخی با توجه به مضمون این روایت، حکایت از آن دارد شایع شدن این رؤیا پس از خلافت ابوبکر صورت گرفته و احتمالاً با هدف یادآوری دفاع از مشروعیت و اثبات حقانیت او بوده است. همچنین به تبع این هدف یکی دیگر از کارکردهای آن، با توجه به شأنیت ابوبکر و اهمیت وصیت او، دفاع از جانشینی عمر بعد از خودش و حمایت از آن بوده است.

در این روایت ابتدا پیامبر با ابوبکر خوابش را در میان گذاشته است: «پیامبر فرمود در خواب چنان دیدم که من و تو از نردبانی بالا می رویم و من دو پله و نیم از تو پیش افتادم. ابوبکر گفت: ای رسول خدا خیر است. امیدوارم خداوند تو را باقی نگه دارد و اموری را ببینی که تو را خشنود و چشمت را روشن سازد. پس پیامبر سه بار این خواب را برای ابوبکر تکرار کرد و در بار سوم گفت: مثل این که من و تو برای بالارفتن از پلکانی مسابقه گذاشته بودیم و من دو پله و نیم از تو جلو افتادم. ابوبکر گفت: ای رسول خدا، خداوند تو را به سوی رحمت و مغفرت خویش فرامی خواند و من پس از شما دو سال و نیم زنده می مانم» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۱۸۵/۳). سکوت ابوبکر و اصرار پیامبر بر تعبیر رؤیایی که دیده بود توسط ابوبکر، چنین به

ذهن متبادر می‌کند که رسول‌الله از تعبیر خوابش آگاه بوده؛ اما اصرار داشته تا تعبیر ابوبکر را هم بشنوند.

در روایتی دیگر ابوبکر رؤیاهایی درباره خلیفه شدنش دیده است. ابن‌سعد آورده است: «ابوبکر به پیامبر گفت به روی سینه خود دو علامت می‌بینم. فرمود نشانه آن است که امارت تو دو سال است» (ابن‌سعد، ۱۳۷۴: ۱۵۲/۳؛ ۱۳۷۴: ۲۱۶/۲؛ بلعمی، ۱۳۷۳: ۴۲۲/۳).

ابن‌سعد دو روایت از رؤیای عایشه برای ما حفظ کرده است که دارای اهمیت فراوان است. این روایت‌ها در کنار نمایش جایگاه و نقش پراهمیت عایشه در تحولات تاریخی صدر اسلام به‌ویژه در تعیین محل دفن پیامبر و دو خلیفه نخست در تلاش است تا این سه رهبر مسلمانان را در یک خط واحد و در دنباله هم به تصویر بکشند. این روایت به‌طور غیرمستقیم به مشروعیت و مقبولیت ابوبکر و عمر به‌عنوان جانشینان برحق پیامبر اشاره دارد. در این روایت ابن‌سعد آورده است: «عایشه به پدرش گفت در رؤیا دیدم سه قمر در حجره من افتاده‌اند. ابوبکر گفت: خیر است. یحیی بن سعید گوید از مردم شنیدم که می‌گفتند؛ چون پیامبر رحلت فرمود و در خانه عایشه دفن شد ابوبکر او (عایشه) را گفت این یکی از اقرار تو که از همه برتر و بهتر است». (ابن‌سعد، ۱۳۷۴: ۲۷۵/۲).

در این روایت ابوبکر و عمر هم‌طراز پیامبر قرار داده شده‌اند و حتی در رؤیای عایشه، یک ماه نسبت به دو ماه دیگر بزرگ‌تر یا درخشان‌تر نیست، بلکه همه یکسان هستند. در بخش دوم روایت‌ها ابوبکر تعبیر خواب دخترش را بعد از فوت پیامبر و دفن ایشان در خانه عایشه، به او یادآوری می‌کند، اما درباره دو ماه دیگر سکوت می‌کند. مضمون روایت این‌چنین به ذهن متبادر می‌کند که همان‌گونه که ابوبکر می‌دانست پیامبر در خانه عایشه دفن خواهد شد، می‌دانست که آن دو ماه دیگر چه کسانی هستند، اما سکوت می‌کند.

#### ۱. رؤیاهایی با هدف تأیید ابوبکر به‌عنوان رهبری مدبر و دوران‌دیش

در روایتی که تلاش دارد نزدیکی، اطمینان و هم‌نظر بودن ابوبکر و پیامبر را نشان دهد، آمده است؛ هنگام محاصره طائف پیامبر خواب می‌بیند که ظرفی پر از سرشیر (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۰۶/۲)، کره (واقدی، ۱۳۶۹: ۹۳۰؛ طبری، ۱۳۷۵: ۱۲۰۹/۳) یا سکه (ابرقوهی، ۱۳۷۷: ۱۳۷۰/۲) هدیه می‌گیرد که خروسی به آن نوک می‌زند و تمامی قدح خالی می‌شود. ابوبکر در تعبیر این خواب می‌گوید موفق به فتح طائف نخواهیم شد و پس از آن پیامبر در ادامه می‌فرمایند: «من هم امید بدان ندارم.»

روایت دیگر مربوط به حادثه بنی‌جذیمه است. پیامبر در رؤیا می‌بیند که لقمه غذا در

گلویشان گیر کرده و امام علی با دست لقمه را از گلوئی پیامبر بیرون می‌آورد. ابوبکر در تعبیر این رؤیا می‌گوید: «کسی را به سوئی (به سمت بنی‌جدیمه) می‌فرستی و بعضی از کارهای او (خالد بن ولید) ناپسند شما واقع می‌گردد، آن‌گاه علی را می‌فرستی تا آن را اصلاح کند.» (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲/۲۸۵؛ ابرقوهی، ۱۳۷۷: ۲/۸۰۷). در این روایت نیز جایگاه والای ابوبکر یادآوری شده است.

روایتی نیز درباره‌ی جایگاه بالای ابوبکر و عمر نزد پیامبر وجود دارد تا حدی که برای مخالفان آن‌ها مرگ طلب شده است: «فردی به نام محمد بن علی بن السمان گفت مرا همسایه‌ای بود و دشنام می‌داد ابوبکر و عمر را. بسیار گفت و گو میان من و او شد. بخفتم رسول را در خواب دیدم بگفتم: یا رسول الله فلان همسایه‌ی من اصحاب تو را دشنام می‌دهد. رسول گفت که را دشنام داد از اصحاب من؟ گفتم: ابوبکر و عمر را. رسول گفت این کارد را بستان و بکش. کارد را فرا گرفتم و آن مرد را بخوابانیدم و کارد بر حلقش نهادم و او را کشتم و خون او بر دست خویش می‌دیدم. از خواب درآمدم و سرای آن همسایه فریاد می‌شنیدم، کسی را فرستادم تا بنگرد که بوده است. گفتن فلان کس به فجا بمرد. چون بامداد شد من می‌نگریستم. نشان کارد بر گردن او بود.» در بخشی از روایت آمده است پیامبر پرسید: کدام یک از صحابه؟ مرد پاسخ داد: ابوبکر و عمر. بعد از آن کارد به او می‌دهد (خرگوشی، ۱۳۶۱: ۴۹۳). چنانچه از متن روایت پیداست راوی تلاش دارد این نکته را تبیین کند که صحابه نیز ذومراتب هستند و بالاترین مرتبه و شأن نزد پیامبر را ابوبکر و عمر دارد تا حدی که سزای بی‌حرمتی به آن‌ها مرگ است.

در سه روایت دیگر که هر کدام شرح یک رؤیا هستند ابوبکر به عنوان نزدیک‌ترین شخص به پیامبر و خلیفه‌ای مدبر برای حل مشکلات مسلمانان معرفی شده است. از این روایات یکی مربوط به پیش‌بینی حصر عثمان است و دو گزارش دیگر نیز درباره‌ی رؤیای عمر بن عبدالعزیز پیرامون صلاحیت ابوبکر است. در هر سه این رؤیاهای ابوبکر در سمت راست پیامبر ایستاده است و شأن و منزلتی بس بزرگ دارد.

مجموع رؤیاهای ثبت‌شده در منابع تاریخی که ابوبکر در آن‌ها نقش دارد، پانزده گزارش یافت شده است. از این تعداد نه روایت تکراری است. در این رؤیاهای همان‌طور که مشاهده شد نکات پیش رو قابل احصاست: در پنج روایت ابوبکر در کنار پیامبر و مورد عنایت ایشان و بسیار نزدیک به رسول‌الله است. در یکی از رؤیاهای پیامبر از ابوبکر دفاع کرده و به شدت از مخالف او بیزاری می‌جوید و حتی طلب مرگ برایش دارد. در چهار رؤیا سرنوشت و جایگاه ابوبکر به قدری برای پیامبر مهم است که خود ایشان رؤیاهای ابوبکر را تعبیر می‌کند از جمله در

ماجرای اسلام آوردنش و دو سال و نیم خلافتش پس از وفات پیامبر. در چهار روایت جایگاه والای ابوبکر به عنوان یک معبر معتبر<sup>۱</sup> در تعبیر خواب پیامبر و صحابه برجسته و زنان پیامبر به ویژه عایشه را شامل می شود.

تعبیر خواب های ابوبکر همه در جهت تشخیص صلاح و فلاح اسلام و مسلمانان است. در این روایت ها در سه موضع، ابوبکر رؤیای پیامبر را تعبیر کرده است. از خود ابوبکر سه رؤیا ثبت شده که گرچه با منطق تاریخی گمان می رود در دوره خلافتش یا پس از آن شایع شده اند، اما در مضمون و متن رؤیا نشانه هایی وجود دارد که آن ها متعلق به دوره حضور پیامبر می داند. این رؤیاها مربوط به اسلام آوردن ابوبکر، فتح مکه و خلافت اوست که سه تحول مهم در تاریخ صدر اسلام محسوب می شوند.

از خلال گزارش هایی که درباره ابوبکر نقل شده می تواند فهمید ابوبکر بسیار نزدیک به پیامبر تصویر شده و مورد عنایت ویژه اوست. در این رؤیاها نشانه های پیش رو به شکل مستقیم و غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته و قابل احصاست: خلق و خوی توأم با ملایمت ابوبکر بسیار شبیه پیامبر است، پیامبر همواره مدافع ابوبکر و پشتیبان اوست، رسول الله به شدت از مخالف ابوبکر بیزاری می جوید، ابوبکر به قدری برای پیامبر مهم است که مدام او را تأیید می کند و شخصاً رؤیای ابوبکر را تعبیر کرده و او را بشارت به خیر و خلافت می دهد، اگر پیامبر نباشد ابوبکر بهترین شخص برای جانشینی اوست و این تأیید تا جایی اعتبار دارد که منبع مشروعیت برای خلافت عمر و عثمان نیز می شود.

در نهایت در تعاملی دو سویه ابوبکر نیز همچون پیامبر به عنوان معبر، مورد اعتماد پیامبر و محل رجوع ایشان و سایر مسلمانان است و از این حیث جایگاهی بسیار رفیع دارد. باتوجه به این نشانه ها به نظر می رسد ناقلان رؤیاها در صدد برساختن تصویری از ابوبکر در قامت حاکمی مشروع و مورد قبول پیامبر بوده اند. در واقع آن ها تلاش داشته اند نشان دهند ابوبکر تنها شخصیتی است که می تواند جانشین پیامبر باشد، چرا که مورد تأیید و اعتماد خداوند و رسول الله است و با مشروعیت بخشی بدان در اذهان و افواه مسلمانان در دوران پسایمیر بر آن بودند تا از این مجرا محبوبیت او و عملکردش نزد عامه مسلمانان افزایش یابد.

---

۱. در منابع از ابوبکر به عنوان معبر معتبر یاد شده است؛ چنان که درباره او معروف است که ابن مسیب از معبران معروف مسلمان علم تعبیر خواب را از اسما دختر ابوبکر و ایشان نیز از پدر خود آموخته بود (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۱۲۱۵/۵).

### عصر عمر؛ نقل رؤیاهایی برای تبیین شایستگی و حقانیت خلیفه

عمر بن خطاب دومین خلیفه مسلمانان است که توسط ابوبکر بدون برگزاری شورا یا برپایی اجماعی به قدرت رسید. عمر به مدت ده سال خلیفه مسلمانان بود. از مهم‌ترین تحولات عصر خلافت او توسعه چشمگیر فتوحات مسلمانان است.

نخستین رؤیا درباره عمر که در نوع خود بدیع است، درباره مهم‌ترین نماد تبلیغی مسلمانان یعنی «اذان» برای اعلام وقت نماز است. رؤیاهای مربوط به تعیین کیفیت اذان، دو نوع است. در روایتی معروفی آمده است که پیامبر به دنبال یک نماد، صدا یا آوازی متفاوت از یهودیان و نصاری برای اعلام وقت نماز بود که یکی از خزرجیان در رؤیا چگونگی آن را می‌بیند و صبح خدمت پیامبر می‌رسد. بعد از بازگویی خوابش، پیامبر دستور می‌دهد بلال آن را با صدای بلند در هنگام نماز بازخواند. زمانی که بلال در حال گفتن اذان است، عمر خدمت پیامبر می‌رسد و مدعی می‌شود همین خواب را دیده است و پیامبر بعد از آن خدا را شکر کرده و بدین‌گونه اذان مقرر می‌شود (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/۳۴۰؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۱/۲۳۲) در روایت دوم واقدی، پیامبر چگونگی اذان را به خواب می‌بیند و هنگامی که بلال اذان را می‌گوید، عمر مدعی دیدن این عبارات در خواب می‌شود و پیامبر می‌پرسد که چرا دیر آمده است، عمر می‌گوید: «حیا کردم به اظهار خواب خود پیشی گیرم» (واقدی، ۱۳۷۴: ۱/۲۳۲).

ابن هشام نیز همین روایت را با این افزوده آورده که هنگامی که عمر خدمت پیامبر رسید و رؤیایش را مطرح کرد، پیامبر به او فرمود که پیش از آن که تو بیایی وحی رسید (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/۳۴۰) و همین مطلب را نیز ابرقوهی با این کلمات «قد سبقک بذلک الوحی» آورده است (ابرقوهی، ۱۳۷۷: ۱/۴۸۷).

در این روایت‌ها عمر در جایگاهی بالا تصویر شده است تا جایی که نماد اصلی تبلیغی مسلمانان یعنی اذان با تعریف خواب او نزد پیامبر تأیید و تثبیت می‌شود. در روایت اول پیامبر بعد از نقل خواب عمر، خدا را بابت این رویداد شکر می‌کند گویی که پیش از این پیامبر به این کار اطمینان کامل نداشتند. در روایت دوم نیز عمر در رؤیا همان چیزی را می‌بیند که پیامبر در رؤیا دیده است؛ این در حالی است که مبتنی بر برخی احادیث رؤیای پیامبران نوعی وحی است.<sup>۱</sup>

۱. بنا بر حدیث نبوی بر ارتباط رؤیا و نبوت تأکید شده و رؤیا یکی از هفتاد جزء نبوت معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۷: ۱/۲۱۱؛ احمد بن حنبل، (بی تا): ۲۶۳؛ بخاری، ۱۹۸۱: ۶۸/۸) در ادامه این حدیث آمده است از مدرکات عالم غیب چیزی نمانده است جز رؤیا که مرد صالح آن را می‌بیند یا برای وی می‌بیند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۹۹۲). در اینجا باید یادآور شد که در آموزه‌های اسلامی میان خواب صالحه و صادقانه تفاوت

از رؤیاهای مربوط به دوران پیش از خلافت عمر، دو روایت مهم یکی از پیامبر و دیگری از عایشه نقل شده است که نشان از توجه ویژه پیامبر به عمر و انتقال علم خود به خلیفه دوم است. روایت نخست را حمزه نوه عمر روایت کرده است: «پیامبر فرمود در خواب دیدم قدح شیری برایم آوردند، چنان نوشیدم که پنداشتم سرانگشتانم نیز سیراب شدند، پس آنگاه مانده آن را به عمر دادم. پرسیدند این را به چه تأویل می‌کنید؟ فرمود به علم» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۳۲۱/۲). در این رؤیا عمر کسی است که به خواست خدا از علمی چون علم پیامبر بهره‌مند می‌شود، اما روایت دوم که در ذیل رؤیاهای دوره ابوبکر آمد، همان رؤیای فرود سه ماه در منزل عایشه است که تعبیر به آن شد که بعدها پیامبر، ابوبکر و عمر در خانه عایشه دفن می‌شوند (همان: ۲۷۵/۲). در این رؤیا نیز عمر هم‌ردیف پیامبر تلقی شده و هر سه ماه (پیامبر، ابوبکر و عمر) به یک میزان از روشنایی توصیف شده‌اند.

درباره رؤیاهایی که پیش از خلافت عمر و مبنی بر خلافت اوست دو گزارش به دست ما رسیده که هیچ‌کدام از آن‌ها را خود عمر ندیده است و هر دو از طریق ابن سعد نقل شده است: «عوف بن مالک در خواب دید مردم همگی در صحرائی جمع شده‌اند ناگاه کسی را دید که از همه مردم سه ذراع بلندتر است گوید: پرسیدم این کیست. گفتند: عمر بن خطاب. گفتم: چرا بر همه برتری دارد؟ گفتند سه خصلت در اوست، نخست این که در راه خدا از هیچ سرزنشی نمی‌ترسد. شهیدی است که خواهان شهادت است و سه جانشین خلیفه است. عوف نزد ابوبکر آمد و خواب خود را نقل کرد ابوبکر کسی را نزد عمر فرستاد و ضمن مژده دادن او را فراخواند. چون عمر آمد، ابوبکر به عوف گفت: خواب خود را بگو. گوید؛ چون عوف گفت عمر جانشین خلیفه است، عمر او را از خود راند و دستور داد ساکت شود. چون عمر به خلافت رسید عوف به شام رفت و پس از چندی همچنان که عمر خطبه می‌خواند ناگاه چشمش به عوف بن مالک افتاد. او را با خود بالای منبر برد و گفت خوابت را بگو و چون او خواب را گفت، عمر گفت: اما این که در راه خدا از سرزنش سرزنشگران نمی‌ترسم امیدوارم خداوند مرا از ایشان قرار دهد جانشین خلیفه شدم و از خداوند مسئلت می‌کنم که مرا در این کار کمک کند و یاری دهد، اما شهید از کجا برای من شهادت خواهد بود و من در جزیره العرب با مردم اطراف خودم که جهاد ندارم. بعد گفت: وای بر من وای بر من ان شاء الله که خداوند آن را خواهد آورد» (همان: ۲۸۵/۳).

---

وجود دارد. با وجود این که هر دو خواب تعبیر دارند و از آینده خبر می‌دهند، اما خواب صالحه نوعی از وحی است که توسط پیامبر یا مؤمنان دیده می‌شود و در تعالیم اسلامی از آن با عنوان مبشرات یاد شده که برگرفته از آیه ۶۴ سوره یونس است. (رازی، ۱۳۸۵: ۷۲۱)

در روایت دوم آمده است که «ربیع‌بن‌امیه پیش عمر آمد و گفت خواب دیدم که ابوبکر در گذشته است و تو هنوز زنده‌ای و به خلافت رسیده‌ای و به این بانوی پارسای بریده از مردم پیام فرستاده و او را به همسری گرفته‌ای و به‌عنوان عروس به خانه‌ات آورده‌اند و بر در خانه‌ات شترانی تنومند با باروبنه ایستاده‌اند. گویند آن زن عاتکه دختر زیدبن عمرو بن نفیل بود که همسر عبدالله پسر ابوبکر بود و عبدالله در روز جنگ طائف کشته شد. عبدالله بخشی از اموال خود را برای عاتکه قرار داد به شرط آن که پس از او شوهر نگیرد. عمر در پاسخ ربیع‌ه گفت: سنگ بر دهانت باد چنین نیست و خداوند ابوبکر را زنده و ما را از او بهره‌مند می‌دارد و راهی برای دسترسی به این بانو نیست. چنان شد که ابوبکر درگذشت و عمر بر جای او نشست و به عاتکه پیام فرستاد که چرا چیزی را که خداوند بر تو روا داشته بر خود ناروا می‌گیری. مال را به صاحبش برگردان و ازدواج کن او چنان کرد و با عمر ازدواج نمود» (همان: ۲۷۹/۸).

هر دوی این رؤیاها در دوره ابوبکر دیده شده است. در هر دو روایت بر فضیلت‌های عمر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم اشاره رفته و او به‌عنوان جانشین برحق ابوبکر معرفی شده است. عمر بعد از شنیدن این که راوی گفته ابوبکر می‌میرد، کسی که این رؤیا را دیده است، از خود می‌راند، اما پس از فوت ابوبکر او را فرامی‌خواند و به خود نزدیک می‌کند. این عملکرد نشان از ایمان عمر به حقیقت آن سخن و تأیید خود از جانب ابوبکر است. در اولین روایت حتی از فرد خواب‌بین می‌خواهد خواب خود را در بین عموم مردم مطرح کند. به نظر می‌رسد این یک نمایش سیاسی برای ارتقا مشروعیت عمر بوده است. ابراز احساسات ابوبکر و مؤذنه‌دادن به عمر مبنی بر خلیفه‌شدنش در بخشی دیگر از روایت، همچنین حضور یک زن که ناموس خلیفه اول است و تا وقتی او زنده است، عمر امید رسیدن به این بانو را ندارد، همه نشان از اعتماد تام و تمام و تأیید کامل ابوبکر برای جانشینی عمر پس از اوست. از منظری دیگر نیز این ناموس همچون خلافت است که عمر می‌داند تا ابوبکر هست متعلق به اوست و چون او رفت امکان رسیدن به هر دو، هم خلافت و هم عاتکه میسر خواهد شد.

#### ۱. نقش ویژه عمر در رؤیاهایی در باب فتوحات

فتوحات، از جمله مهم‌ترین موضوعات جامعه اسلامی در دوره خلافت عمر است که روایت‌های بسیاری درباره کیفیت و روند آن در منابع وجود دارد. از جمله درباره نقش عناصر فرامادی همچون خواب و پیشگویی در باب ابعاد مختلف فتوحات، اخبار متعددی در دست است (برای تفصیل بیشتر رک. حاج‌بابایی و زارعی: ۱۳۹۳) به‌عنوان مثال در باب فتح دارابگرد

روایت جالبی نقل شده است: «غازیان هنگام ظهر و در میانه جنگ صدای عمر را شنیدند که به آواز همی گفت: یا ساریه الجبل الجبل! ساریه گفت: آیا آن صدای که من می شنوم شما می شنوید؟ گفتند آری می شنویم. اما آواز عمر نشاید بودن و میان ما و عمر چند روز راه است. ساریه گفت که ما را خدای عزوجل این آواز را می شنواند و ما را راه همی نماید. در این هنگام عمر در خطبه نماز گفت: ای مردمان به خواب دیدم که در این وقت ساریه حرب می کند پس عمر رضی الله عنه خاموش شد، چنان که کسی چیزی می بیند و زمانی بود. گفت اکنون ساریه در دشت گرفتار است. اگر پشت به کوه کردندی آسان تر بودی پس گفت: یا ساریه الجبل الجبل! و خدای عزوجل صدای او را از مدینه به دارابگرد رسانید» (طبری، ۱۳۷۵: ۲۰۱۲/۵؛ بلعمی، ۱۳۷۳: ۵۴۴/۳؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۶۸/۹). نویسنده *مجملة التوارخ و التخصص* آورده است که «این اتفاق در جنگ نهاوند است و شکافی در سنگ بود که آن را زیارت کنند و گویند آواز عمر بن خطاب از آنجا بیرون آمده است» (ناشناس، بی تا: ۲۷۸).

این روایت جایگاه بی بدیل عمر نزد فاتحان سرزمین های اسلامی و تأیید او توسط خدا و فرشتگانش را به ذهن متبادر می کند، جالب آنجاست عمر در خطبه نماز به صراحت به خواب خود اشاره و آن را عامل پیروزی غازیان در حال نبرد در هزاران کیلومتر دورتر قلمداد می کند. همچنین در روایت های مربوط به فتح دارابگرد، عمر با دو چهره «معنوی-علمی» و «سیاسی-نظامی» معرفی می شود. اول این که عمر کسی است که به او الهام می شود؛ دوم این که عمر به عنوان خلیفه فاتح که بیشترین فتوحات در دوره اوست، به عنوان یک غازی معرفی می شود؛ هر چند در کنار سپاهش نباشد؛ چراکه او در مواقع حساس به کمک مدد های غیبی به یاری سپاه مسلمانان شتافت.

اما از دیگر رؤیاها، رؤیای رستم فرمانده ایرانی قادسیه است. رستم در رؤیا می بیند که فرشته ای به همراه پیامبر سلاح های ایرانیان را جمع کرده است و آن را به عمر می دهد و رستم از این خواب تعبیر به شکست پارسیان می کند. منابعی که به این روایت اشاره کرده اند عبارت اند از: طبری با سه روایت، ابن اثیر با دو روایت و ابن خلدون با یک روایت. ابن اثیر و ابن خلدون روایت های طبری را با اندک تغییراتی در کتاب های خود آورده اند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۶۷۸/۵ و ۱۷۰۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳۱/۸ و ۲۴۴؛ ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۵۱۴/۱).

در این روایت ها با وجود اختلافاتی جزئی که دارند یک خط فکری غالب است و آن خواست خدا بر پیروزی مسلمانان با محوریت پیامبر و عمر است. گویی نوعی مقدمه چینی است تا اثبات کند خداوند همه چیز را برای عمر آماده کرده تا بیشترین فتوحات در دوره او رخ دهد و این نشان دهنده حقانیت خلافت عمر و تأیید شدن او از جانب اول خدا و دوم پیامبر

اسلام است.

در خشک‌سالی سال ۱۸ هجری که معروف به عام‌الرماده شد، یکی از بنی‌جدیمه رؤیایی دید که عمر آن را روایت کرده است که پیامبر به او گفت که «بشارت که قحطی برفت. پیش عمر برو و از من به او درود گوی و بگو تو را درست پیمان و محکم کار می‌دانستم ای عمر. آن مرد به نزد عمر رفت و رؤیایش را برای او بازگو کرد. عمر به مسجد رفت و از مردم پرسید که آیا او کاری کرده است که آن‌ها ناراضی باشند و با انکار این موضوع توسط مردم، عمر خواب را برای آن‌ها بازگفت و حضار در تعبیر این خواب گفتند که پیامبر عمر را به نماز باران اشارت کرده است. پس عمر نماز باران به جا آورد و دعا خواند. بعد از آن فرماندهان عمر چون ابو عبیده جراح و عمرو عاص به مدینه خواربار فرستادند و باران نیز بارید» (طبری، ۱۳۷۵: ۱۹۱۶/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۹۹/۸).

در این رؤیا عمر در مقام خلیفه‌ای درستکار و عادل و همچنین مورد عنایت خداوند و پیامبر تصویر شده است. خود را در معرض انتقاد قرار داده و از مسلمانان می‌خواهد کم‌کاری‌های او را یادآوری کنند. در واقع به‌عنوان یک رهبر الهی و مردمی ظاهر شده و مشروعیت خود را از خدا و پیامبر گرفته است.

## ۲. رؤیاهایی درباره جایگاه ویژه عمر و قتل تراژیک خلیفه دوم

روایت‌های مربوط به قتل عمر و آگاهی او از مرگش با کیفیت‌های متفاوت در قالب رؤیا، در منابعی چون فتوح ابن‌اعثم، طبقات ابن‌سعد و آفرینش و تاریخ مقدسی آمده است. هر سه کتاب در نکاتی با هم متفق هستند؛ قتل عمر بعد از سفر حج و در اولین جمعه اتفاق افتاده، زمان قتل هنگام خطبه نماز صبح بوده و نهایتاً وجود خروس و نوک‌زدن او که نشان از قاتل عجمی عمر است.

ابن‌سعد سه روایت در این باره آورده است. روایت نخست از هشام‌بن سعید بن ابی‌هلال نقل شده است: «عمر گفت: ای مردم من خوابی دیده‌ام که دلیل بر فرارسیدن مرگ من است. در خواب دیده‌ام که خروس قرمزی دو بار منقار زد و چون خواب خود را با اسما بنت عمیس گفتم، گفت مردی از ایرانیان مرا خواهد کشت» (ابن‌سعد، ۱۳۷۴: ۲۸۹/۳). در دو روایت دیگر که راویان آن معدان بن ابوطححه یعمری (ابن‌سعد، ۱۳۷۴: ۲۸۹/۳) و جویریة بن قدامه تمیمی می‌باشند (ابن‌سعد، ۱۳۷۴: ۲۹۰/۳) عمر خود، خروس قرمز را تعبیر به یک ایرانی می‌کند (با تعبیری نزدیک به همین روایت نک. ابن‌اعثم، ۱۳۷۲: ۲۶۷؛ مقدسی، ۱۳۷۴: ۸۶۲/۲). در روایتی دیگر که ابن‌سعد با چند واسطه از قول ابوموسی نقل کرده آمده است: «در

خواب دیدم در جاده‌های متعدد حرکت می‌کنم و همه آن‌ها از بین رفت و فقط یک جاده باقی ماند. آن را پیمودم به کوهی رسیدم که رسول‌الله بر فراز آن و ابوبکر هم کنارش ایستاده بود ناگهان دیدم به عمر اشاره می‌کند و می‌گوید بیا. گفتم: انا لله و انا الیه راجعون» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲۸۶/۳)

طبقات کبری دو روایت با اندک تفاوت‌هایی برای ما حفظ کرده است. نخستین روایت آمده است که «عباس دوست عمر بوده است و چون عمر کشته شد عباس از خداوند مسئلت می‌کرد تا او را در خواب ببیند. گویند عباس پس از یک سال عمر را در خواب دید که از چهره خود عرق پاک می‌کرد. عباس به عمر گفت: چه کردی؟ گفت: هم‌اکنون کار من تمام شد و اگر رأفت و رحمت الهی نبود نزدیک بود که کارم از هم فروریزد» (همان: ۳/۳۲۵). در روایت دیگری ابن عباس پس از ده سال خواب عمر را می‌بیند. فارغ از اختلافات روایت‌ها این رؤیا به یک نکته ظریفی اشاره دارد و آن این است که در نهایت کفه کارهای نیک عمر سنگینی کرده و رحمت الهی شامل حالش شده است. در واقع رؤیا پاسخ به تمام کسانی است که به برخی از سیاست‌های عمر ایراد وارد کرده‌اند، به این معنا که او اگر اشتباهاتی هم داشته است در نهایت اعمال نیک او بیشتر و سنگین‌تر بوده و به فضل خداوند در زمره رستگاران قرار گرفته است و به‌طور کلی دوره خلافت عمر را مورد تأیید خداوند تصویر کرده است.

از دیگر روایت‌هایی که بعد از فوت عمر و تأیید عملکرد او به دست ما رسیده، می‌توان به روایت ابراهیم بن عبدالرحمان بن عوف اشاره کرد که از پدرش نقل می‌کند که گفته است «از حج برمی‌گشتم در سقیاء خوابیدم و چنان دیدم که عمر پیش ما آمد. سپس پشت به ما کرد و سریع رفت و مردم در پی او راه افتادند. من هم جامه خود را خواستم و پوشیدم و همراه مردم پی او رفتم و نخستین کس بودم که به او رسیدم و سخت خسته شدم. گفتم: ای امیرمؤمنان بر مردم دشوار است، هیچ‌کس به تو نمی‌رسد مگر آن که سخت خسته شود من هم خسته شدم. گفت: خیال نمی‌کنم تند حرکت کنم. عبدالرحمن بن عوف گفت: جلد بودن عمر از همگان نمودار عمل اوست» (همان: ۳/۳۲۵). البته نباید غافل بود که این روایت، تبلیغی دو سویه است؛ هم تبلیغی برای عمر در شدت دین‌داری و هم تأییدی برای عبدالرحمان؛ چرا که با وجود خستگی، عبدالرحمان توانسته خود را به عمر برساند.

آخرین روایت‌هایی که درباره عمر به دست ما رسیده، مربوط به رؤیاهای عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی است که نوه دختری عمر بن خطاب است. عمر بن عبدالعزیز تلاش بسیاری به خرج داده تا از جد مادری خود عمر الگو برداری کند و بسیاری بر این عقیده‌اند که او یک مجدد است، به همین دلیل برخی او را عمر ثانی لقب داده‌اند. عمر بن عبدالعزیز گفته است: «پیامبر را

دیدم که ابوبکر در سمت راست و عمر سمت چپ آن حضرت بودند و پیامبر خطاب به من فرمودند: اگر عهده‌دار کار مردم شدی روش این دو را به کار ببند» (همان: ۳/۳۵۱؛ خرگوشی، ۱۳۶۱: ۴۸۹).

اگرچه این روایت به نوعی در راستای تأیید خود عمر بن عبدالعزیز نیز هست، اما پایه‌های اساسی آن تبیین مقبولیت شیخین نزد پیامبر و شأنت و منزلت ابوبکر و عمر در میان مسلمانان و خلفای پس از آنهاست. درباره عدالت عمر و عمر بن عبدالعزیز نیز در برخی کتاب‌ها روایت‌های مبتنی بر مشاهده رؤیا و تأیید آن دو توسط پیامبر آمده است که البته شأن عمر بسیار اجل از عمر بن عبدالعزیز قلمداد شده است (تاج‌الدین احمد، ۱۴۲۳: ۷۵/۲).

تعداد خواب‌های ثبت شده برای عمر چهل روایت است که تقریباً سیزده عنوان و محتوای متفاوت دارند. بیست و هفت روایت دیگر تکرار همان سیزده روایت محوری است. در هشت رؤیا پیامبر حضور دارد که در برخی خود پیامبر رؤیا را دیده است، مثل خوردن شیر مانده پیامبر توسط عمر که توسط پیامبر به علم تعبیر شده است یا در برخی روایت‌ها، پیامبر رؤیای عمر را تعبیر کرده است و خواب عمر را مؤید تصمیم خود قلمداد کرده است. مانند خواب مربوط به اذان. در پنج روایت هم پیامبر و عمر در کنار هم هستند، مثل رؤیای رستم ایرانی، رؤیای عمر بن عبدالعزیز و در یکی از رؤیاها هم پیامبر عمر را توبیخ کرده است که البته در نهایت نوعی فضیلت ترسیم شده است. در شش روایت نیز نام ابوبکر آمده است، مانند رؤیایی که مبنی بر خلافت عمر نقل شده و ابوبکر آن را تعبیر کرده یا همراهی دو خلیفه با پیامبر که در رؤیای سه ماه به نقل از عایشه آمده است.

آنچه در رؤیاهای عمر برجسته است ارتباط رؤیاها با امور سیاسی، نظامی، اجتماعی و اعتقادی است. این روایت‌ها ضمن ارائه تصویری چندبعدی از عمر، تلاش دارند از او یک رهبر مقتدر و مورد تأیید پیامبر با مسئولیت اجتماعی خطیر ترسیم کنند. عمر در این رؤیاها فراز و فرود فراوانی تجربه می‌کند. در این مسیر او گاه سرزنش می‌شود و گاه از القائنات و سوسه‌ها می‌هراسد، اما با اطمینان از تأییدات پیامبر محکم گام برمی‌دارد و پیش می‌رود.

در مجموع این روایت‌ها نشان می‌دهد برای خلیفه بسیار حائز اهمیت بوده که در اذهان عمومی جامعه اسلامی چه تصویری از او وجود دارد و همواره در این رؤیاها او حامی و همراه مردم معرفی شده است. در روایت‌های مربوط به عمر در هشت رؤیا پیامبر حضور جدی دارد و حتی در برخی روایت‌ها خود پیامبر راوی رؤیایی درباره عمر است. این امر نشان می‌دهد چه تصویری از رابطه او با پیامبر وجود دارد.

عمر در رؤیاهایش همواره حامی و همراه مردم و درگیر با مسائل نظامی (فتوحات) و

اجتماعی تصویر می‌شود و دو دغدغه عمده دارد؛ عدالت اجتماعی و توسعه جامعه اسلامی. شخصیتی سخت‌گیر و بسیار جدی در دین که حتی در رؤیای مربوط به وفات و قتل خود عمر نیز نشانه‌ای از این علاقه و دغدغه وجود دارد تا جایی که عمر در رؤیایی او از خداوند می‌خواهد دین اسلام را پس از رفتن او ضایع نکند. در یک روایت جالب دیگر او خود را در معرض نقد مردم قرار می‌دهد تا حکومتش مقبولیت بیشتری پیدا کند و اگر مرتکب بی‌عدالتی شده است به سزای آن برسد. دومین شخصیتی که حضور جدی در رؤیاهای عمر دارد، ابوبکر است. در رؤیاهای عمر همواره تابع ابوبکر است، خلافتش مرهون وصیت و خواست اوست و به هیچ وجه نمی‌خواهد از ابوبکر پیشی بگیرد. در عالم واقع نیز عنوانی که او برای خود انتخاب کرده «خلیفه خلیفه رسول الله» است که در این عبارت هم مشروعیت ابوبکر و هم به تبع او مشروعیت عمر به صراحت بیان شده است. در مجموع در این رؤیاهای او به عنوان یک خلیفه مورد تأیید پیامبر به تصویر کشیده شده است که دغدغه امور مردم، توسعه و اعتلای اسلام، عمل به دستورات خدا و تبعیت از سیره رسول الله و خلیفه پیش از خودش را دارد. به نظر می‌رسد که عمر در این مسیر موفق بوده و هشتاد سال بعد، نماینده طرز تفکر دینی‌ای می‌شود که مطلوب عمر بن عبدالعزیز، خلیفه معتدل اموی است. در مجموع در این رؤیاهای ابعاد سیاسی، اجتماعی و نظامی عمر برجسته شده و به عنوان یک خلیفه که دغدغه امور مردم و عمل به دستورات پیامبر و خلیفه پیش از خویش و توسعه اسلام را دارد در آن نمایان است.

#### عصر عثمان؛ رؤیاهای خلیفه خیرخواه

عثمان بن عفان سومین خلیفه مسلمانان است که به انتخاب شورای پیشنهادی عمر، برگزیده شد. مدت خلافتش دوازده سال بود که طولانی‌ترین مدت خلافت در بین خلفای راشدین است. در سال ۳۵ هجری توسط معترضین به روش حکومت‌داری‌اش کشته شد و خلیفه شهید لقب گرفت. نخستین رؤیا درباره عثمان به چگونگی مسلمان شدن او می‌پردازد. از عثمان روایت شده است که هنگام بازگشت از شام، در رؤیایی می‌بیند هاتفی خطاب به کاروان آنها می‌گوید: «ای خفتگان بشتابید که احمد(ص) در مکه ظهور کرده است». وقتی عثمان به مکه می‌رسد با آگاهی از نبوت پیامبر به واسطه این رؤیا به خدمت ایشان رفته و مسلمان می‌شود. در ادامه این روایت ابن سعد آورده است که او قدیم‌الاسلام است و پیش از ورود به خانه ارقم مسلمان شده است (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۴۵/۳؛ جوزجانی، ۱۳۶۳: ۸۰/۱).

در روایتی دیگر تلاش شده جایگاه برجسته عثمان در نگاه پیامبر و در کنار آن خیرخواهی‌اش برای جامعه اسلامی در دوران ابوبکر به تصویر کشیده شود. در منابع تاریخی

آمده در دوره ابوبکر قحطی شد و کاروان عثمان با بار گندم وارد شهر شد، بازرگانان برای خرید گندم و پخش آن در میان اهالی مدینه به عثمان رجوع کردند و از او خواستند که هر قیمتی می‌خواهد برای گندم‌ها مشخص کند که آن‌ها خریدار گندم هستند. اما عثمان از فروش آن به بالاترین قیمت پرهیز کرد و همه بار خود را برای رضای خدا بین مسلمانان تقسیم نمود. در همین شب از ابن عباس رؤیایی نقل شده است: «پیامبر را در خواب دیدم که بر مادیانی ابلق نشسته و هاله‌ای از نور او را پوشیده است، نعلینی از نور بر پایش و به تعجیل می‌راند. گفتم یا رسول‌الله چرا می‌شتابی و به کجا می‌روی؟ گفت: ای ابن‌عباس، عثمان بن‌عفان صدقه‌ای داده است و خدای تعالی آن را قبول کرد و عروسی در بهشت به او داده است بدان صدقه‌ای که کرده است و ما را به عروسی خوانده است» (خرگوشی، ۱۳۶۱: ۳۳).

#### ۱. رضایت پیامبر از خلیفه مقتول در رؤیا

از دیگر رؤیاها، مربوط به حضور عایشه در ماجرای قتل عثمان است. راوی می‌گوید: «در ایام عثمان به خواب دیدم که مردی زمامدار امور بود بر بستر خویش بیمار و به نزدیک سر او زنی بود و کسان سوی او می‌رفتند و قصد وی داشتند، اگر زن، کسان را بازداشته بود بس می‌کردند اما نکرد و بیمار را گرفتند و کشتند. من این خواب را در سفر و حضر برای کسان نقل می‌کردم که شگفتی می‌کردند و تعبیر آن را نمی‌دانستند که چیست و چون عثمان کشته شد از غزا باز می‌گشتم که خبر یافتیم و یاران من را گفتند تعبیر خواب تو!» (طبری، ۱۳۷۵: ۲۴۱۲/۶).

در تعبیر این خواب منظور از زن یادشده عایشه است و به عدم حمایت عایشه از عثمان باوجود بی‌گناه بودن خلیفه اشاره می‌کند که اگر آن زن مداخله می‌کرد، نجات می‌یافت. از طرفی راوی این رؤیا از غزا باز می‌گشته است که نشان می‌دهد خلیفه پشتیبان غازیان بوده و مجاهدان اسلام عثمان را قبول داشته‌اند.

درباره یوم دار و واقعه کشته‌شدن عثمان روایت‌هایی از خواب عثمان به نقل از همسر او وجود دارد که در تمام منابع یک عبارت مشترک به کار گرفته شده است و آن این که پیامبر به عثمان گفته‌اند: «نزد من افطار خواهی کرد». این عبارت مشترک جایگاه ویژه او نزد پیامبر را بازتاب می‌دهد. به‌عنوان نمونه ابن‌سعد روایتی در این باره از نائله همسر عثمان نقل کرده است: «عثمان اندکی خوابید و چون بیدار شد گفت: این قوم مرا خواهند کشت. گفتم: ای امیرمؤمنان هرگز چنین نخواهد بود. گفت: پیامبر، ابوبکر و عمر را در خواب دیدم. گفتند: امشب روزه پیش ما بگشا یا گفتند: امشب روزه‌ات را پیش ما خواهی گشود» (ابن‌سعد، ۱۳۷۴: ۴۵/۳ و ۶۴).

ابن اعثم نیز روایتی نزدیک به روایت ابن سعد دارد: «من از رسول خدا دوش در خواب شنیدم که مرا فرمود: ای عثمان این قوم قصد کشتن تو را دارند. اگر با ایشان بجنگی بر این قوم ظفریابی و اگر تن دردهی و به قضای باری سبحانه راضی شوی روزه به نزدیک من گشایی و دل من چنان می خواهد که در خدمت مصطفی روزه گشایم» (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۷۸). (برای روایت های مشابه این مضمون نک. طبری، ۱۳۷۵: ۲۲۷۳/۶؛ خرگوشی، ۱۳۶۱: ۴۹۰؛ بلعمی، ۱۳۷۳: ۶۰۱/۳؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹۷/۹).

در این روایاها به عثمان نوید داده شده که افطار را نزد رسول الله خواهد بود که نشان از تأیید عملکرد عثمان و رد اقدام مخالفان اوست. این نشانه حاکی از آن است مخالفان عملی را مرتکب شده اند که مورد پذیرش پیامبر نبوده است. دیگر آن که در یکی از روایت ها ابوبکر و عمر همراه پیامبر حضور دارند و رؤیای نقل شده به نوعی تلاش دارد نشان دهد هر سه آن ها پشتیبان عثمان هستند. همچنین لحن مشفقانه پیامبر در مواجهه با عثمان نکته دیگری است که باید بدان توجه کرد؛ در همه روایت ها بدون استثنا پیامبر ادبیاتی با چاشنی رضایت و تأیید نسبت به عثمان دارد و به او وعده دیدار در زمانی نزدیک را می دهد. حتی در برخی از آن ها کلمات چنان تصویر شده که عثمان حق انتخاب دارد و او مرگ، در واقع دیدار با پیامبر را انتخاب می کند.

یک روایت هم متعلق به بعد از فوت عثمان در دست است. در این روایت که به نظر از سوی بازماندگان عامرین ربیعه نقل شده است، تلاش گردیده نقش و رد پای او و احتمالاً هم قبیله ای هایش از ماجرای قتل عثمان پاک شود. تاریخ روایت به چند روز بعد از قتل عثمان بازمی گردد: «عامرین ربیعه از صحابه پیامبر که در جنگ بدر نیز حضور داشته، در هنگامه ستیز با عثمان و اعتراض به او، بعد از نماز شب در رؤیایی می بیند که کسی پیش او آمده و می گوید: برخیز و از خداوند بخواه که تو را از فتنه در پناه گیرد همان طور که بندگان صالح خود را در پناه خویش می گیرد. او برخاست نماز خواند و آن حاجت خواست و بیمار شد. بعد از آن در خانه بستری شد تا جنازه اش را بیرون آوردند. مرگ او چند روز بعد از قتل عثمان فرارسید» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۳۲۵/۳) که به وضوح شورش علیه عثمان را فتنه و برخلاف مصالح اسلام توصیف کرده است.

روایت های مربوط به روایاها عثمان دوازده روایت است که تحت چهار عنوان قابل تقسیم بندی هستند. دو روایت درباره اسلام آوردن عثمان، یک روایت درباره قحطی مدینه و انفاق گندم، هشت روایت درباره قتل عثمان، یک روایت مربوط به بعد از وفات عثمان. از این دوازده روایت چهار روایت توسط ابن سعد ثبت شده که به عثمان الهوایی معروف است. در

تمامی روایت‌های مربوط به عثمان نام پیامبر آمده است به جز روایتی که مربوط به بعد از وفات اوست.

در این روایت‌ها عثمان برخلاف داده‌هایی که در برخی منابع تاریخی و حدیثی، او را حاکمی بدعت‌گذار و با کارنامه‌ای غیر قابل دفاع تصور کرده‌اند، خلیفه‌ای است که خداوند، پیامبر و شیخین مکرراً او را تأیید می‌کنند. شأن و منزلتی ویژه نزد پیامبر دارد و رسول‌الله به شدت علاقه‌مند اوست؛ این علاقه تا حدی است که حتی روز قتل عثمان پیامبر منتظر اوست تا با وی افطار کند. در همین چهارچوب عملکرد او برخلاف نظر معترضانی که به قتلش رساندند، مورد حمایت و مقبول حضرت رسول واقع شده است و به دلیل حکومت‌داری مطلوب به او وعده بهشت داده می‌شود. از همین رو مرگ او بعدها به شهادت تعبیر می‌شود و عثمانی که به دلیل تبعیض‌ها و بدعت‌ها مورد انتقاد شدید بوده، در گذر زمان به منبعی برای مشروعیت و حتی (ذیل مفهوم عصر طلایی خلفای راشدین) به الگویی آرمانی برای خلفای اموی و عباسی تبدیل می‌گردد. مهم‌ترین نکته در این روایت‌ها تطهیر عثمان و القای این خط فکری است که معترضان علیه او سخت در اشتباه بوده‌اند و قتل عثمان مورد تأیید پیامبر نیست.

### نتیجه‌گیری

طبق گزارش‌ها و روایت‌های رسیده از منابع تاریخی، تعداد رؤیاهای نقل شده از ابوبکر، عمر و عثمان بالغ بر هفتاد و شش روایت است. مجموعه این روایت‌های نقل شده را که به نحوی با موضوع رؤیا در ارتباط‌اند، می‌توان در سی و یک محور اصلی معنایی دسته‌بندی کرد. مابقی روایت‌ها نیز با تعابیر متفاوت، بازنمایی همین محورها هستند. بیشترین محورهای معنایی در روایت‌های ثبت شده برای رؤیاها در وهله اول متعلق به عمر یا سیزده رؤیای محوری (در قالب چهل روایت) پس از آن ابوبکر با پانزده رؤیای محوری (در قالب بیست و چهار روایت) و در آخر عثمان با سه رؤیای محوری (در قالب دوازده روایت) است.

در باب کلیت رؤیاها چند نکته اساسی و مهم قابل طرح است؛ اول این که به نظر اغلب این رؤیاها در زمانه‌ای حساس روایت شده‌اند یا برهه‌ای حساس در آینده را ترسیم می‌کنند. این نشانه، حکایت از اهمیت رؤیا در نظام فکری خلفای نخستین و اهتمام و اعتقاد جدی آنان به کارکرد تبلیغی رؤیا در تأثیرگذاری بر افکار عمومی جامعه دارد. به بیانی دیگر به نظر رؤیا، در نظرگاه خلفای نخستین ابزار اقناع‌گر کارآمدی برای دوران گذار و تثبیت خلافت و مشروعیت سیاسی-دینی آنان بوده است. در این رؤیاها خلفا مورد تأیید خدا و پیامبر او

هستند، خلافت حق آن‌هاست و مشیتشان چنان رقم خورده که باید به اراده خدا پذیرای سختی‌ها (با قبول خلافت) و رهبر توسعه و اعتلای جامعه اسلامی باشند. با این تفصیل به نظر نقطه کانونی نقل این رؤیاها «تبیین مشروعیت» خلفاست. فلذا در هندسه فکری جریان‌ی که بر کوره تبلیغ این قبیل رؤیاها دمیده‌اند، اهدافی سیاسی نهفته است. این گفتمان تلاش داشته از خلفا تصویری الوهی و آرمانی ترسیم کند که دنباله رسالت رسول‌الله هستند و هدفشان از اداره امور جامعه اسلامی، سعادت مسلمانان است. در این برساخته، خلفای ثلاث با روایت رؤیا بر آن‌اند ضمن تبیین صلاحیت و مشروعیتشان، با کسب تأییدات رسول‌الله اقداماتشان را نیز توجیه کرده و توسعه دهند و درنهایت توده مردم را با گفتمان حاکمیت همراه سازند. به تعبیری دیگر اهل قدرت و سیاست، از خواب‌دیدن و تعبیر آن، به‌عنوان حالتی برای برقراری با مبدأ غیب و الهام‌گرفتن از عالم قدس و درنهایت ماورائی نمودن تصمیم‌ها و اقداماتشان، سود جست‌ه‌اند.

### منابع

- ابرقوهی، رفیع‌الدین احسان (۱۳۷۷). سیرت رسول‌الله. به تحقیق اصغر مهدوی. چاپ ۳. تهران: خوارزمی.
- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). *الکامل*. ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن‌اعثم کوفی، ابو محمد احمد (۱۳۷۲). فتوح. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی. به تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن‌بابویه، محمد (۱۴۱۷). *الامالی*. قم: چاپ علی‌اکبر غفاری.
- ابن‌حنبل، احمد (بی‌تا). *مسند الامام احمد بن حنبل*. بیروت: دارالصادر.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمان (۱۳۷۵). *العبر*. ترجمه محمد پروین گنابادی. چاپ ۸. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن‌سعد، محمد (۱۳۷۴). *طبقات کبری*. محمود مهدوی دامغانی. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- ابن‌فهد، عمر (۱۴۰۳). *اتحاف الوری به اخبار ام‌القری*. به تصحیح فهیم محمود شلتوت. مکه: جامعه ام‌القری، معهد البحوث العلمیه و احیاء التراث اسلامی.
- ابن‌هشام، عبدالملک (۱۳۷۵). *سیره النبویه «زندگانی پیامبر»*. ترجمه سیدهاشم رسولی. چاپ ۵. تهران: کتابچی.
- احمد وزیر، تاج‌الدین (۱۴۳۳). *بیاض تاج‌الدین احمد وزیر*. به تصحیح علی زمانی علویجه. قم: انتشارات مجمع ذخائر اسلامی.
- احمدی، زهت (۱۳۸۸). *رؤیا و سیاست در عصر صفوی*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اصفهان‌ی، ابوالفرج علی (۱۳۳۹). *مقاتل الطالبین*. ترجمه جواد فاضل. تهران: کتابفروشی علی‌اکبر علمی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ذیل واژه خواب. تهران: انتشارات سخن.
- آملی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۵). *نفائس الفنون فی عرائس العیون*. به تصحیح ابولحسن شعرانی. تهران: انتشارات اسلامی.
- بخاری، محمد (۱۴۰۱/۱۹۸۱). *صحیح البخاری*. استانبول: بی‌نا.
- بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۷۸). *تاریخ‌نامه طبری*. به تحقیق محمد روشن. چاپ ۵. تهران: اساطیر.
- تقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۷۳). *الغارات*. ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: عطارد.
- جوزجانی، منهج سراج (۱۳۶۳). *طبقات ناصری*. به تحقیق عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- حاجی بابایی، مجید؛ زارعی، زارعی (۱۳۹۳). «جایگاه امور فرامادی در تحلیل فتوحات مسلمانان در ایران». *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۵(۱۵). ۹۵-۱۱۶.
- <http://tarikh.maaref.ac.ir/article-1-355-fa.html>
- خرگوشی، ابوسعید (۱۳۶۱). *شرف‌النبی*. به تحقیق محمد روشن. تهران: بابک.
- دارابی کشفی، جعفر (۱۳۸۱). *تحفه الملوک*. به تحقیق عبدالوهاب فراتی. قم: بوستان کتاب.
- دانشنامه جهان اسلام* (۱۳۹۰). زیر نظر غلامعلی حداد عادل. جلد ۱۶.
- دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی* (۱۴۰۲). زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. جلد ۲۵.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۳ / ۳۷

دائرةالمعارف تشیع (۱۳۹۱). زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی. رازی، فخرالدین محمد (۱۳۸۵). *التحییر فی علم التعبیر*. تهران: المعی.

رازی، نجم‌الدین عبدالله (۱۴۰۱). *مرصادالعباد*. به کوشش محمدامین ریاحی. تهران: علمی و فرهنگی. رحمانیان، داریوش؛ حاتمی، زهرا (۱۳۹۷). *کتاب‌شناسی خواب و رؤیا و گفتاری درباره خواب‌شناسی تاریخی*. تهران: نشر علم.

رحیم‌لو، مرتضی (۱۳۷۴). «خواب‌دیدن در سنت و سیاست صفوی». نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه تبریز. ۱(۱). ۱۳۰-۱۱۳.

<http://noo.rs/qWIPv>

شعبانی، امام‌علی (۱۳۹۴). *عباسیان؛ رؤیا و سیاست*. اراک: دانشگاه اراک. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۳۵). *ملل و نحل*. ترجمه افضل‌الدین صدر ترکه اصفهانی. تهران: بی‌نا.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ رسول و ملوک*. ترجمه ابولقاسم پاینده. چاپ ۵. تهران: اساطیر. عزیزاده، زهره؛ عزیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۳). «بازنمودهای بنیان‌های فکری مشروطه‌خواهی در خواب‌نامه‌های عصر قاجاریه». *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*. ۲۴(۱۴). ۱۱۷-۱۴۷.

doi: 10.22051/hph.2016.2371

قرشی، علی‌اکبر (۱۳۶۳). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه. کوین، شعله (۱۳۷۹). «رؤیاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ‌نویس‌های صفوی». ترجمه منصور چهارازی. *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. (۳۷). ۶۴-۷۵.

<http://noo.rs/or3kc>

گردیزی، عبدالحی (۱۳۶۳). *زین‌الخبار*. به تحقیق عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب. *لغت‌نامه دهخدا* (۱۳۸۵). تهران: دانشگاه تهران.

مجمعل‌التواریخ و القصص (بی‌تا). به تحقیق ملک‌الشعرا بهار. تهران: کلاله خاور. مختاری، کمیل (۱۳۹۷). «خواب‌نامه به‌مثابه یک ژانر». *پژوهش‌های ادبی*. ۱۵(۵۹). ۸۷-۱۱۴.

<http://noo.rs/6D2Eg>

مقدس، مطهر (۱۳۷۴). *آفرینش و تاریخ*. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه. منتظری، علی (۱۳۸۳). *خواب و رؤیا*. تهران: نشر هستی‌نما.

نهج‌البلاغه (۱۳۷۸). ترجمه جعفر شهیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. واقدی، محمد (۱۳۶۹). *مغازی*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. چاپ ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

### List of Sources with English Handwriting

- Abarquei, Rafi'uddin Ehsan (1998) *Sīrat-e Rasūl-allāh*; Researcher Asghar Mahdavi, Tehran: *kārazmī*, third edition. [In Persian]
- Aḥmad Vazīr, Tāj-al-Dīn (2011) *Bayāz Tāj-al-Dīn Aḥmad Vazīr*; edited by Ali Zamani Alavijeh, Qom: Islamic Archives Publishing Association. [In Arabic]
- Ahmadi, Nozhat (2009) *Dream and Politics in the Safavid Era*, Tehran: Tarikh Iran Publishing. [In Persian]
- Alizadeh Zohreh, Zahra Alizadeh Birjandi (2014) Reflection of constitution revolution ideal foundations in dream letters of Qajar era, *Journal of Historical Perspective and Historiography*, Volume 24, Number 14, Series 99. [In Persian]
- Āmolī, Šams-al-Dīn Moḥammad (2006) *Nafā'es ul-Fonūn fi 'Arā'es ul-'Oyūn*; edited by Abul Hasan Sha'rani, Tehran: Islamic Publishing. [In Arabic]
- Anvarī, Hasan (1381) *Farhang-e Bozorg-e Soḡan, ḡayl Vāzeh-ye k̄āb*, Tehran: Soḡan Publishing. [In Persian]
- Bal'amī, Abū-'Alī Moḥammad (1999) *Tārīk-Nāmeḡ-ye Ṭabarī*, Researcher Mohammad Roshan, Tehran: Asāṭīr, 5th edition. [In Persian]
- Boḡārī, Moḥammad (1981) *Šaḡīḡ al-Boḡārī*, Estantul: (n.p). [In Arabic]
- Dārābī Kašfī, ja'far (2002) *Tofaḡ ul-molūk*, Researcher Abdul Wahab Forati, Qom: Book Park. [In Arabic]
- Encyclopedia of the Islamic World (2011) edited by Gholam Ali Haddad Adel, volume 16. [In Persian]
- Gerdāzī, 'Abd-al-Ḥayy (1984) *Zayn ul-Aḡbār*, Research by Abdolhay, Tehran: Donyā-ye Ketāb. [In Persian]
- Haji Babaei, Majid and Ali Zarei (2014) The Status of Heavenly Affairs in Analyzing the Arab Muslims' Conquests in Iran, Year 5, Summer, Issue 15. [In Persian]
- Ībn Ašīr, 'Azz-al-Dīn 'Alī (1992) *Al-kāmīl, Al-Kamil*; Translated by Abul-Qasim Halat and Abbas Khalili, Tehran: Scientific Press Institute. [In Persian]
- Ībn Aṭam Kūfī, Abū-Moḥammad Aḥmad (1993) *Fotūḡ* Translated by Mohammad b. Ahmad Mostofī Heravi, researcher Gholamreza Tabatabaei Majd, Tehran: Islamic Revolution Publications and Education. [In Persian]
- Ībn Bābawayḡ, Moḥammad (1996) *Al-Amālī*, Qom Ali Akbar Ghaffari Publishing House. [In Arabic]
- Ibn Fahd, Omar (1982) *Īḡāf ul-warā be-Aḡbār Umm ul-Qorā*; edited by Fahim Mahmoud Shaltout, Mecca: Umm al-Qorā Society, Institute of Scientific Research and Revival of Islamic Heritage. [In Arabic]
- Ībn Ḥanbal, Aḥmad (n.d.) *Mosnad al-Īmām Aḥmad b. Ḥanbal*, Beirut: Dār al-šādīr. [In Arabic]
- Ībn Hīšām, 'Abd-ul-Mālīk (1996) *Sīra ul-Nabawīya "Zendegānī-ye Payāambar"*, translated by Seyyed Hashem Rasuli, Tehran: Bookstore, fifth edition. [In Persian]
- Ībn ḡaldūn, Abd ul-Raḡmān (1996) *Al-'Ībar...*; translated by Mohammad Parvin Gonabadi, Tehran: Scientific and Cultural, 8th edition. [In Persian]
- Ībn Sa'd, Moḥammad (1995) *Tabaqat al-Kubra*, Mahmoud Mahdavi Damghani, Tehran (Culture and Thought). [In Persian]
- Īsfahānī, Abū a-l-Faraj 'Alī (1920) *Maḡātīl ul-Ṭālebūn*; translated by Javad Fazel, Tehran: Ali Akbar 'Elmī Bookstore). [In Persian]
- jūzjānī, Mīnhāj ul-Serāj (1983) *Ṭabaḡāt-e Nāšerī*, Researcher Abdul Haibi, Tehran: Book World. [In Arabic]
- ḡargūšī, Abū Sa'īd (1982) *Šaraf ul-Nabī*, Researcher Mohammad Roshan, Tehran: Bābak. [In Arabic]
- Komaily Mokhtar (2018) Dream Interpretation writings (khabnameh) as a literary Genre, *Journal of Literary Research*, Volume 15, ssue 59. [In Persian]
- Loḡat-nāma-ye Deḡḡodā (2006). Tehran: Dānešḡāḡ-e Tehran. [In Persian]
- Maḡddasī, Moṭaḡḡar (1995) *Āfarīneš va Tārīk*, Translated by Mohammad Reza Shafiei

- Kadkani, Tehran: Āgah. [In Persian]
- Montazeri, Ali (2004) Sleep and Dream, Tehran: Našr-e Hasfī-Nāmeḥ. [In Persian]
- Nahj ul-Balāḡa (1999) translated by Jafar Shahidi, Tehran: 'Elmi va Farhangi Publications. [In Persian]
- Qoreishi, Ali Akbar (1984) Dictionary of the Quran, Tehran: Dār ul-Kotob al-Īslāmīyya. [In Persian]
- Quinn, Sholeh (1990) Dream of Sheikh Safi al-Din and the History of Safavid Writings, Translated by Mansour Chehrazī, Book Month of History and Geography Publication, Number 37. [In Persian]
- Rahimlu, Morteza (1995) Dreaming in the Safavid Tradition and Politics, Journal of the Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Tabriz, first year, first issue. [In Persian]
- Rahmanian, Dariush and Zahra Hatami (2018) Bibliography of sleep and dreams and a discussion on historical sleep, Tehran: Našr-e 'Elam. [In Persian]
- Rāzī, Faḡr-al-Dīn Moḡammad (2025) Al-Taḡbīr fī 'Elm al-Ta'bīr, Tehran: Al-Ma'ī. [In Arabic]
- Rāzī, Najm-al-Dīn 'Abdollāh (1980) Meršād ul-'Ībād, with the help of Mohammad Amin Riahi, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Arabic]
- Šahrestānī, Moḡammad b. 'Abd-al-Karīm (1956) Mīlāl wa Niḡāl, translated by Fazl al-Din Sadr Tarkeh Isfahani, Tehran: n.p. [In Persian]
- Shabani, Imam Ali (2015) Abbasids; Dream and Politics, Arak: Arak University Publications. [In Persian]
- Ṭabarī, Moḡammad b. ĵarīr (1996) Tārīḡ-e Rosūl wa Molūk; Translated by Abolghasem Payandeh, Tehran: Asāfīr, 5th edition. [In Persian]
- Ṭāqaḡī Kūfī, Abū-Īshāḡ Ībrāhīm (1994) Al-Ġarāt, Translated by Azizullah Attarodi, Tehran: 'Attārod. [In Persian]
- The Great Islamic Encyclopedia (2023) edited by Kazem Mousavi Bojnourdi, volume 25. [In Persian]
- The Shiite Encyclopedia (2012) edited by Ahmad Sadr Hajj Seyyed Javadi, Kamran Fani, and Baha'uddin Khorramshahi. [In Persian]
- Unknown (n.d) Moĵmal ul-Tawārīḡ wa al-Qīṣāṣ, authored by Malek Al-Shoara Bahar, Tehran: Kalāleh-ye Kāvīr. [In Arabic]
- Wāqedī, Moḡammad (1989) Maḡāzī, Translated by Mahmoud Mahdavi Damghani, Tehran: University Publishing Center, second edition. [In Persian]



## The Role of Dreams in Political-Religious Legitimacy in the Era of the First Islamic Caliphs

Razieh Afsharifar<sup>2</sup>, Jacob Panahi<sup>3</sup>

Received: 2024/11/30  
Accepted: 2025/04/10

### Abstract

The interpretation of dreams has always been of interest to societies, especially rulers, in various historical periods in order to predict events and providing information about the fate of people. Among Muslims, dreams and their interpretation are considered a divine science that can have a significant impact on the individual, social, and political life of societies. One of the periods in which Muslim rulers paid attention to dream narration and interpretation is the era of the Three Caliphs. By examining and analyzing the content of dreams narrated by the first caliphs of Islam, an attempt is made to show that these dreams were narrated by the apparatus of power with specific aims and motives. On this basis, the main question is how and with what themes the institution of power used dreams to legitimise the discourse of the caliphate, especially in the political and religious spheres. The dream was narrated by religious leaders, especially the Messenger of Allah, about caliphs or their relatives, with themes such as the resemblance of the new rulers of Islamic society to the Prophet, justification of their actions and their approval by the Prophet, gaining the support of the people, etc., with the aim of the justifying the political legitimacy of the caliphs and promoting their legitimacy. The central signifier of the dreams pursues political goals in an attempt to establish the legal status of the caliphs as the rightful successors of the prophet in the public. The method of this research is descriptive-analytical and uses a library method of data collection.

**Keywords:** Dream, Messenger of Allah, First Islamic Caliphs, Succession, Legitimacy.

1. DOI: 10.22051/hii.2025.49021.2989.
  2. Ph.D. in Islamic History, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran. (Corresponding author): Afshar90@yahoo.com
  3. Assistant Professor, Research for Culture, Art and Communication Institute, Tehran, Iran: panahi@ricac.ac.ir
- Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493